

تحلیل استنادی مقالات ۳۰ شماره از فصلنامه " پژوهشهای فلسفی کلامی " منتشره بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۷

امیر متقی دادگر^۱ و رضا کریمی^۲ و جعفر عباداله عموقین^۳

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی وضعیت مقاله‌های فصلنامه "پژوهشهای فلسفی کلامی" و تبیین الگوی رفتاری محققان این حوزه می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحلیل استنادی است جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که در ۳۰ شماره این مجله، ۱۸۰ مقاله تالیفی و ترجمه‌ای به چاپ رسیده که میانگین ۶ مقاله برای هر شماره به دست می‌آید. از ۱۶۴ نفر نویسنده مقالات تالیفی، ۱۵۴ نفر نویسنده مرد و ۱۰ نفر نویسنده زن بودند. فقط ۷ عنوان مقاله حاصل کار گروهی بوده و ما بقی دارای نویسنده‌ای واحد بودند. یافته‌ها نشان داد اکثر نویسندگان مقالات این فصلنامه عضو هیات علمی بوده و فقط ۲۷ نفر غیرعضو هیات علمی بودند. یافته‌ها نشان داد که در بین کتابها، به ترتیب قرآن، اشارات و تنبیها، المیزان، اسفار اربعه، بحار الانوار، نهج البلاغه و در بین نویسندگان ملا صدرا، ابن سینا، محمد حسین طباطبائی، امام خمینی (ره) و علامه مجلسی بیشترین استناد را به خود اختصاص داده اند. طبق یافته‌های پژوهش، در بین محمل‌های اطلاعاتی، کتابها بیشتر از سایر منابع اطلاعاتی مورد استناد قرار گرفته است. همچنین یافته‌ها نشان داد علاوه بر موضوع فلسفه بیشترین موضوعات مورد استناد، حدیث، تفسیر و فقه بوده است منابع زبان عربی با ۱۳۵۹ استناد، بالاتر از زبان فارسی و انگلیسی قرار گرفت.

کلید واژگان: تحلیل استنادی، پژوهشهای فلسفی کلامی، دانشگاه قم، استناد

۱. کارشناس کتابداری دانشگاه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه قم، گروه کتابداری و اطلاع رسانی .

۳. عضو هیات علمی دانشگاه قم، گروه کتابداری و اطلاع رسانی .

مقدمه

امروزه پژوهشگران برای اینکه نتایج پژوهش خود را سریع و به روز در اختیار دیگران قرار دهند، آنها را به صورت مقاله در نشریات چاپ می‌کنند. به همین دلیل، نشریات در پاسخگویی به نیازهای محققان جایگاه خاصی دارند. ارزش مجلات، هم در زمان انتشار و هم پس از گذشت زمان، انکارناپذیر است. تازه‌ترین اخبار و اطلاعات، قبل از اینکه در کتابها منتشر شوند، در نشریات ادواری از طریق مقاله‌ها، نقدها و آگهی‌ها عرضه می‌شوند. بسیاری از مجلات پیشرو، در حقیقت مجراهای طبیعی کسب اطلاعات در زمینه‌های پژوهشی محسوب می‌شوند و اکثراً تازه‌ترین اطلاعات را ارائه می‌کنند (محمدی و دادگر، ۱۳۸۶: ۸).

در انجام هر فعالیت علمی، نه تنها شدیداً نیازمند آگاهی نسبت به فعالیتهای مرتبط پیشین هستیم، بلکه بدون کسب آگاهی نسبت به تلاش‌های گذشته نمی‌توان در مسیر تحقیق پیشرفت کرد. در واقع، طرح اندیشه‌ای نو بدون تکیه بر تجربیات و یافته‌های دیگران در آن حوزه به ایجاد اندامواره‌ای می‌انجامد که حائز ارزش علمی چندانی نیست. جهت دستیابی به دانش پیشینیان، بررسی منابع و مآخذ مورد استناد نوشته‌های علمی از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه کمتر اثر معتبری را می‌توان یافت که منابع را به عنوان مآخذ کار خود در پایان صفحات یا فصول یا انتهای متن نیاورده باشد.

در واقع، استناد ترسیم نقشه جاده‌ای است که نویسنده آن را به وجود آورده و خوانندگان را وادار می‌کند تا آن مسیر را دنبال کرده و به سر منزل مقصود برسند. دانشمندان با قدم نهادن و تکیه بر سکوی پیشینیان پلکان، دانش بشری را بنا نهاده و به صعود خود ادامه می‌دهند. طبیعت این حرکت به وسیله دقت نظر و تحلیل پانویس‌ها و استنادات قابل مشاهده است. نمودار شدن یک مقاله در سیاهه مراجع یک سند، بازگو کننده این مطلب است که در ذهن نویسنده ارتباطی بین اثر وی و مقاله‌ای که به آن در فهرست مآخذ استناد کرده است وجود دارد. تجزیه و تحلیلی که پیرامون این ارتباط صورت می‌گیرد، مقوله‌ای به نام تحلیل استنادی را پدید می‌آورد (فروزانی، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

با پیدایش روش علمی تحلیل استنادی از یک سو و انتشار مستمر ابزارهای کتابشناختی همانند نمایه استنادی علوم و نمایه استنادی علوم اجتماعی از سوی دیگر که کار شناسایی و

گردآوری مقالات و منابع آنها را راحت کرده، مسیر کشف و تشخیص رفتارهای استفاده از منابع هموار شده است و امروزه تحلیل استنادی یکی از روش‌های پذیرفته‌شده در این‌گونه بررسی‌ها به شمار می‌آید (حری و نشاط، ۱۳۸۱: ۳).

سنت علمی ایجاب می‌کند که هرگاه دانشمند یا فن‌آور مشهوری مقاله‌ای منتشر می‌کند، باید خوانندگان خود را به مقالات قبلی که به موضوع کاری وی مربوط می‌شوند، ارجاع دهد. تصور بر این است که این ارجاعات نشان دهنده آن دسته از محققانی است که مفاهیم، روش‌ها یا وسایلی که به کار برده‌اند الهام بخش نویسنده اخیر در پدیدآوردن مقاله‌اش بوده‌اند. چنین ارجاع‌هایی رویدادهای پیشین یک فعالیت را نشان داده و اطلاعات کتابشناختی لازم را در اختیار خواننده‌ای که مایل است درباره جنبه خاصی از موضوع، اطلاعات بیشتری به دست آورد، قرار می‌دهند (گارفیلد، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

با تحلیل استنادی می‌توان دریافت که "تحولات علمی چگونه صورت می‌گیرد و مسیری که هر رشته علمی طی می‌کند چیست؟" و "الگوی واقعی کسب اطلاعات و یا پخش یافته‌های علمی و فنی چگونه است؟" از این دو مورد، اطلاعاتی به دست می‌آید که شامل موارد زیر است:

اولاً دانش‌پژوهان را با جامعه شناسی مبادله اطلاعات علمی آشنا می‌کند و آنها را قادر می‌سازد از دانش مکتوب، حداکثر بهره برداری را به عمل آورند. ثانیاً کتابداران را با مجموعه جامعه شناختی مبادله اطلاعات علمی آشنا کرده، آنها را قادر می‌سازد مجموعه‌ای را برای کتابخانه خود فراهم سازند که در تحولات علمی و فرهنگی جامعه، اثر با ارزشی داشته باشد (دیانی، ۱۳۷۹: ۵۹).

همچنین تحلیل استنادی برای ارزیابی عملکرد و موفقیت پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این امر موجب بررسی رتبه‌بندی مجلات، گروه‌های آموزشی، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، و دانشمندان و محققان شده است. در این رویکرد، اصل این است که اسنادها، حتی اسنادهای منفی که اثر استنادشونده را رد یا تصحیح می‌کنند، مقیاسی از تأثیر و نفوذ در علم هستند. بنابراین هرچه یک مقاله بیش‌تر مورد استناد قرار بگیرد، به همان نسبت بیش‌تر در جامعه علمی شناخته می‌شود. در حقیقت جامعه علمی مجموعه بزرگی از همکاران است که ارزش یک مقاله تهیه‌شده را به وسیله اسنادها تشخیص می‌دهند و تصمیمات این مجموعه

داوران در مورد درست یا نادرست بودن تصمیماتشان را می‌توان با استفاده از نمایه‌های استنادی بررسی کرد (کامپاناریو^۱، ۲۰۰۳)

بیان مساله

مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، از مجلات علمی - پژوهشی کشور در موضوع فلسفه است. این مجله از شماره ۱۶ به بعد دارای درجه علمی - پژوهشی شده و در زمینه‌های موضوعی فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، کلام جدید، کلام اسلامی، عرفان و اخلاق مقاله می‌پذیرد. اینک با گذشت نزدیک به یک دهه از فعالیت این مجله، ارزیابی فعالیت‌های انجام شده برای برطرف نمودن کاستی‌ها و تدوین برنامه‌های مناسب برای حفظ درجه علمی - پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. تحلیل استنادی، از روش‌های علمی و معتبر برای ارزشیابی مقالات یک نشریه به شمار می‌رود. به همین جهت محققان برآن شدند با این روش، مقالات منتشر شده در این نشریه را ارزیابی کنند تا الگوی رفتار علمی نویسندگان و وضعیت مقالات و میزان مشارکت علمی محققان را در تدوین مقالات به شیوه علمی تحلیل نمایند. پدیدآورندگان مقالات به گونه‌های مختلف به منابع استناد می‌کنند و این منابع می‌تواند از لحاظ نوع محمول، زبان، زمان و جز آن بررسی شوند.

اهمیت پژوهش

استنادها به ردپاهای ثابتی شبیه هستند که مسیر اکتشاف‌ها و تفکرات علمی را نمایان می‌کنند. هیچ مقاله علمی بدون استناد به دانش پیشین خود، به تنهایی روی پا نمی‌ایستد. این امر در طول تاریخ همواره دیده شده است. دانشمندان با قدم نهادن و تکیه بر سکوی دانش پیشینیان، پلکان دانش بشری را بنا نهاده و به صعود خود ادامه می‌دهند. طبیعت این حرکت با دقت نظر و تحلیل پانویس‌ها و استنادها قابل مشاهده است. نمودار شدن یک مقاله در سیاهه مراجع یک سند، بازگو کننده این مطلب است که در ذهن نویسنده، بین اثر وی و مقاله‌ای که به آن در فهرست مآخذ استناد کرده است، ارتباطی وجود دارد. تجزیه و تحلیل‌هایی که درباره

1. Campanario

این ارتباطات صورت می‌گیرد، مقوله‌ای را به نام "تحلیل استنادی" ^۱ پدید می‌آورد. با استفاده از "کتابسنجی" ^۲ و روش‌های مختلف آن می‌توان انبوه متون و منابع منتشر شده را براساس میزان استفاده رتبه‌بندی نمود، مجلات هسته ^۳ (پراستفاده) را معرفی کرد و نویسندگان کلیدی (پرتولید) را در حوزه علوم فلسفی شناساند و بدین وسیله کمک‌های ارزشمندی به مجموعه سازان و جامعه استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی ارائه کرد، زیرا با شناخت و تهیه مجلات اصلی این حوزه، مجموعه سازان قادر خواهند بود با اشتراک تعداد کمتری از مجلات که کاربرد و مخاطبان بیشتری دارند، در بودجه کتابخانه صرفه‌جویی کنند و در عین حال، با تهیه منابع کمتر، فضای فیزیکی کمتری از کتابخانه را اشغال نمایند. استفاده‌کنندگان نیز با شناخت نویسندگان کلیدی حوزه‌های علمی خویش می‌توانند مطالعات خود را هدفمندتر دنبال کنند و فارغ از مطالعه مطالب حاشیه‌ای و نامربوط، با صرف وقت، انرژی و هزینه کمتر، به مطالب ارزشمندتری در حوزه‌های علمی دست یابند. همچنین می‌توان با استفاده از روش تحلیل استنادی که یکی از روش‌های مهم کتابسنجی است تصویری از ساختار علم ترسیم کرد و بدین ترتیب، فراز و نشیب‌های ساختار علم را مطالعه و ظهور موضوعات علمی جدید را ردیابی نمود (عصاره، ۱۳۷۶: ۶۴).

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر، تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی دانشگاه قم از اولین سال انتشار تا کنون است. اهداف فرعی: همچنین اهداف ده‌گانه زیر به‌عنوان اهداف فرعی این پژوهش به‌شمار می‌روند.

۱. تعیین تعداد کل مقالات منتشر شده در سال‌های مورد بررسی و تعیین مقاله‌های

تالیفی و ترجمه‌ای

1. Citation analysis
2. Bibliometrics
3. Core Journals

۲. تعیین تعداد کل اسنادها و میانگین اسنادها در هر مقاله
۳. تعیین وضعیت زبانی اسنادها
۴. تعیین جنسیت نویسندگان و مترجمان مقالات، سطح تحصیلی و مرتبه علمی آنها
۵. تعیین میزان استناد به کتاب، نشریات ادواری، پایان‌نامه‌ها و سایر محمل‌های اطلاعاتی
۶. تعیین میزان مشارکت نویسندگان و مترجمان در انجام تحقیقات گروهی
۷. تعیین پرکارترین افراد در میان نویسندگان و مترجمان مقالات مورد بررسی
۸. تعیین پراستنادترین منابع مورد استناد نویسندگان مقالات
۹. تعیین پراستنادترین نویسنده در میان نویسندگان و مترجمان مقالات مورد بررسی
۱۰. تعیین موضوعاتی که با فلسفه بیشترین ارتباط را دارند.

پرسشهای اساسی پژوهش

- این مقاله بر اساس اهداف اصلی و فرعی دارای پرسشهای اساسی زیر است
۱. میزان مقاله‌های تالیفی و ترجمه‌ای و میانگین تعداد اسنادهای مقاله‌ها چقدر است؟
 ۲. توزیع مولفان بر اساس جنسیت چگونه است؟
 ۳. توزیع مقالات بر اساس مولف فردی و گروهی چگونه است؟
 ۴. مقطع تحصیلی نویسندگان مقالات و مرتبه علمی آنها به چه صورت است؟
 ۵. میزان استفاده از انواع محمل‌های اطلاعاتی چگونه است؟
 ۶. توزیع اسنادهای مقالات مورد بررسی از نظر زبان چگونه است؟
 ۷. مجلات و منابع هسته رشته فلسفه کدامند؟
 ۸. پراستنادترین کتابها کدامند؟
 ۹. پراستنادترین نویسندگان کدامند؟
 ۱۰. پرکارترین نویسندگان کدامند؟

۱۱. پر استنادترین ترجمان و مصححان کدامند؟

۱۲. به چه موضوعاتی بیشتر استناد شده است؟

روش و جامعه پژوهش

این تحقیق از نوع پیمایشی است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل استنادی، تمام مقاله‌های منتشر شده در فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی تجزیه و تحلیل شده‌اند. بررسی مقاله‌ها در دو بخش صورت گرفت: بخش اول، شامل سال انتشار، تالیفی یا ترجمه‌ای بودن، انفرادی یا گروهی بودن و موضوع مقاله بود که تمامی مقالات منتشر شده در این قسمت بررسی شدند؛ بخش دوم، شامل استنادهای مقاله‌ها بود. برای انجام این کار، تمامی استنادهای مقالات مورد بررسی روی فیش‌های مربوطه وارد شده و سپس با توجه به سوالات مطرح شده، داده‌های موجود با استفاده از نرم افزار "SPSS": تجزیه و تحلیل گردید.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱- کامل نبودن اطلاعات کتابشناختی در بسیاری از موارد
- ۲- وارد شدن اسامی مولفین به صورتهای مختلف و عدم مستند سازی آنها با ابزارهای استاندارد (مثل مستند مشاهیر و مولفان) که در بسیاری از موارد پژوهشگران را مجبور به مراجعه به ابزارها و منابع مختلف می‌کرد.
- ۳- بروز اشکال در تشخیص نوع زبان، سال نشر و محل نشر در برخی از استنادها

تعاریف مفهومی و عملیاتی

تحلیل استنادی: در مطالعه استنادی که امروزه در بررسی روابط مفهومی نوشته‌ها به آن توجه می‌شود، رابطه میان مدرک استناد دهنده و مدرک مورد استناد، بررسی می‌گردد، اگر بکشیم قواعدی را که بر این رابطه حاکم است کشف کنیم، به تحلیل استنادی دست زده‌ایم (امیر حسینی، ۱۹۶: ۱۳۷۱؛ تیمورخانی، ۱۳۸۱: ۳۶؛ حری ۱۳۷۲: ۲۹۲)

استناد: منظور از استناد، مأخذی هستند که نویسندگان در فهرست منابع و مأخذ به عنوان

منبع تالیف اثر معرفی کرده‌اند.

نشریات هسته^۱: نشریاتی هستند که بالاترین بهره‌دهی را دارند، تعداد مقالات منتشر شده در آنها بیشتر و در نتیجه، استفاده از این نشریات نیز بیشتر است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

نویسندگان هسته: نویسندگانی که بیشترین مقالات را تهیه و تدوین کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

الف) در خارج از ایران

تیو و کار^۲ (۲۰۰۴) پژوهشی در مالزی با عنوان "تحلیل استنادی مجله Natural rubber research, ۱۹۹۷-۱۹۹۸ انجام دادند. در این پژوهش ۴۱۸۱ استناد موجود در فهرست مآخذ ۲۵ مقاله تحقیقی و ۱۸ گزارش کوتاه در مجله فوق مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مجلات با ۷۲/۴ درصد پربسامدترین منبع اطلاعاتی به کار گرفته شده توسط نویسندگان مجله است. همچنین ۶۱/۵۶ درصد مقالات این مجله توسط چندین نویسنده تهیه شده و این امر تمایل به سوی تحقیقات گروهی را نشان می‌دهد. دانش نویسندگان مجله کاملاً به روز و استنادها اکثراً جدید هستند به طوری که ۵۵/۹۷ درصد آنها بین سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۷ انجام شده است. این مطالعه همچنین نشان داد که شیمی و فناوری با ۶/۶ درصد موضوعاتی هستند که بالاترین استنادها را به خود اختصاص داده‌اند.

شوکن و کوشیک^۳ (۲۰۰۴) در بررسی مآخذ ۶۱ مقاله چاپ شده در نشریه Journal of plant physiology دریافتند که ۸۱ درصد از استنادها به نشریات ادواری تعلق دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که قدمت بیشتر استنادها کمتر از بیست سال است.

پیشینه پژوهش در ایران

خوشبختانه تحقیقات تحلیل استنادی در ایران، بسیار گسترده‌تر بوده و پا به پای

۱. در این تحقیق به دلیل کم بودن تعداد مجلات مورد استناد، از تعیین مجلات هسته صرف نظر شده است.

2. Tiew & Kaur
3. Shokeen & Kaushik

تحقیقات خارجی پیش رفته است. سیر مطالعاتی این تحقیقات نشان می‌دهد که تحلیل استنادی مجلات، بخصوص مجلات علمی و پژوهشی کمتر مورد توجه بوده است. علت این بی توجهی را می‌توان محدود بودن انتشار این گونه مجلات به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و عدم توجه این نشریات به رعایت فاصله زمانی انتشاراتی تعیین شده، بیان کرد. بی نظمی این نشریات از نظر فاصله انتشاراتی و یا انتشار یک یا دوشماره از آن در طول سال، خود به خود این نشریات را از کانون توجه خارج کرد. آغاز سیاست‌های پژوهشی جدید در سال‌های اخیر، توجه و تشویق محققان به انجام فعالیتهای تحقیقاتی و انتشار مقالات در مجلات علمی معتبر و پرداخت پاداش در قبال مقالات چاپ شده، مجدداً این نشریات را در کانون توجه قرار داده و مسوولان اهتمام جدی‌تری به رعایت فاصله انتشاراتی معین شده و افزایش کیفیت مجله‌ها دارند (محمدی و دادگر، ۱۳۸۶، ص ۱۶). تحقیقات استنادی بر روی مقاله‌های این گونه مجلات نیز مدتی است که آغاز شده. به طور کلی، مطالعات تحلیل استنادی در ایران را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱- تحقیقاتی که به تحلیل استنادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و یا دکتری پرداخته‌اند. در این زمینه تحقیقات متعددی انجام شده است که از نمونه‌های بارز آنها می‌توان به شفیعی (1379)، جاهد (۱۳۷۳)، فخاری، (۱۳۷۳)، پورشعرباف، (۱۳۷۵)، خسروی تاج (۱۳۷۷) آژیده (۱۳۷۸)، هراتی، (۱۳۷۹)، سیفی (۱۳۷۹) مرادی (۱۳۸۱)، قزلی (۱۳۸۱)، کریمی (۱۳۸۲)، لوک زاده (۱۳۸۳)، آذرانفر (۱۳۸۳)، تصویری قمصری و جهان نما (۱۳۸۵) و ... اشاره کرد. با توجه به گستردگی تحقیقات این حوزه، از ذکر جزئیات خودداری می‌کنیم

۲- تحقیقاتی که مقالات نشریات ادواری مختلف را تحلیل استنادی کرده‌اند. از نمونه‌های این تحقیقات می‌توان به عصاره (۱۳۶۵)، محمدزاده (۱۳۷۶)، بنی هاشمی (۱۳۷۴)، ریاحی نیا (۱۳۷۲)، مقصودی دریه (۱۳۸۴)، کیانمهر (۱۳۸۶)، کریمیان مزیدی و اشرافی (۱۳۸۶) و ... اشاره کرد. با توجه به عمومی و گسترده بودن این تحقیقات و ارتباط کمتر آنها به موضوع تحقیق، از ارائه توضیحات مبسوط‌تر درباره آنها خودداری کردیم و فقط به یک مورد که با تحقیق مورد نظر ارتباط موضوعی دارد اشاره می‌کنیم.

اشتری (۱۳۸۰) به تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی در فاصله زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۷ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که بیشترین تعداد استناد به کتاب (۹۳/۳۸) بوده است و

بعد از آن نشریات ادواری (۵/۹٪) در مرتبه دوم اهمیت قرار گرفته است. توزیع زبانی اسنادها نشان داد که بیشترین زبان اسناد شده، زبان عربی (۳۴/۴۴٪) است و زبان فارسی (۳۱/۰۳٪) و زبان انگلیسی (۳۶/۱۸٪) به ترتیب در مرتبه های دوم و سوم اهمیت قرار دارند. منابع تالیفی با ۷۲/۵۲٪ بیش از منابع ترجمه‌ای مورد اسناد قرار گرفته‌اند. توزیع جغرافیایی اسنادها دلالت بر استفاده زیاد از منابع منتشر شده در ایران داشته و منابع منتشر شده در انگلستان و آمریکا به ترتیب در مرتبه دوم و سوم بوده‌اند.

۳- تحقیقاتی که مقالات مندرج در یک نشریه خاص را تحلیل اسنادی کرده‌اند. با توجه به ارتباط مستقیم این تحقیقات به نوشته حاضر، به چند نمونه از آنها می‌پردازیم. حری و نشاط (۱۳۸۱) به منظور تحقق چهار هدف "تعیین نوع منابع مورد اسناد و چگونگی توزیع آنها" "تشخیص زبان غالب در مآخذ مورد استفاده مقالات"، "کشف فاصله زمانی میان تاریخ نشر مآخذ و تاریخ نشر مقالات" و "کشف رفتار اسنادی نویسندگان مقالات مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹" در تحقیقی با استفاده از روش تحلیل اسنادی، ۱۷۹ مقاله تالیفی و ۲۴۶۲ اسناد آنها را مورد ارزیابی قرار داده، دریافتند که متوسط اسناد هر مقاله ۱۳/۷ بوده و سالانه ۸/۵ مقاله تالیفی در مجله درج شده است. یافته‌های آنها نشان داد که کتابها ۵۵٪ و مقالات ۳۷/۸٪ از اسنادها را به خود اختصاص داده‌اند. لذا نویسندگان مقالات بیشتر، کتاب مدار بوده و یافته‌ها ۱۲/۶ سال نیم عمر برای کتابها، ۱۲ سال برای مقالات و ۶/۳ سال را برای پایان نامه‌ها نشان دادند.

محمدی و دادگر (۱۳۸۶) با "تحلیل اسنادی مقاله های منتشر شده در ۳۰ شماره فصلنامه "کتابداری و اطلاع رسانی" بین سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۴" دریافتند که ۲۱۹ مقاله (۱۶۵ مقاله تالیفی و ۵۴ مقاله ترجمه‌ای) در طول سال‌های مورد مطالعه به چاپ رسیده است. میانگین تعداد مقاله‌ها برای هر شماره ۷/۳ گزارش شده است. از میان مقاله‌های منتشر شده در این مجله تعداد ۱۶۵ مورد یک نویسنده‌ای، ۲۹ مورد دو نویسنده‌ای و ۳ مورد ۳ نویسنده‌ای بودند. مقطع تحصیلی نویسندگان ۷۴ مقاله، کارشناسی ارشد و ۶۳ مقاله دکتری بود. ۱۷۴۸ اسناد در این مقاله‌ها به کار رفته بود که میانگین ۱۱/۹ برای هر مقاله تعیین شد. در بین محمل‌های اطلاعاتی، مقاله‌ها قبل از کتابها و پایان نامه‌ها قرار گرفت و نشان داد که محققان این حوزه بیشتر مقاله محور هستند. منابع زبان انگلیسی در اسنادها با اندکی اختلاف، بالاتر از

زبان فارسی قرار گرفت. تعیین نیم عمر داده‌ها نشان داد که کتابهای لاتین با ۱۴ سال و ۲ ماه و منابع اینترنتی با ۴ سال و ۵ ماه بیشترین و کم‌ترین نیم عمر را به خود اختصاص داده بودند. به " دانشنامه کتابداری" در بین کتابها و "عباس حری" و "محمدحسین دیانی" در بین پدیدآورندگان، "دیانی" و "فتاحی" در بخش مقاله‌ها و پایان نامه "عصاره" در بخش پایان نامه‌ها بیش از همه استناد شده بود. فصلنامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی با "فصلنامه کتاب" در کنار ۳ مجله دیگر به عنوان مجلات هسته این رشته در فارسی انتخاب شدند. مطالعاتی که در پیشینه پژوهش مورد اشاره قرار گرفتند، نشان می‌دهد که در ایران درباره تحلیل استنادی، تحقیق‌های فراوانی انجام گرفته است، اما تحقیقات استنادی مقالات مربوط به یک مجله، در مقایسه با تحلیلهای استنادی دیگر، سابقه کمتری دارد. نکته حایز اهمیت، پیشتاز بودن تحلیل استنادی مجله‌های کتابداری در مقایسه با سایر نشریات است (محمدی و دادگر، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پاسخ به سوال اول تحقیق درباره "میزان مقاله‌های تالیفی و ترجمه‌ای و میانگین تعداد استنادها" داده‌ها نشان داد که در ۳۰ شماره این فصلنامه ۱۸۰ مقاله منتشر شده است. براساس داده‌های جدول شماره ۱، سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵ با انتشار ۳۲ مقاله بیشترین و سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ با ۱۸ مقاله، کمترین تعداد مقاله منتشر شده را داشتند. فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی از شماره ۴ الی شماره ۲۳ (پاییز ۱۳۷۹ الی بهار ۱۳۸۳) به صورت دوشماره‌ای به چاپ رسیده است، که این امر می‌تواند از دلایل انتشار کمتر مقالات در طول این سالها به شمار رود.

جدول ۱: توزیع فراوانی مقالات تالیفی و ترجمه‌ای بر حسب سال نشر

جمع		مقاله‌های ترجمه‌ای		مقالات تالیفی		نوع مقاله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	سال انتشار
۱۰/۵	۱۹	۵/۹	۱	۱۱/۴	۱۸	۱۳۷۸
۱۷/۲	۳۱	۱۱/۷	۵	۱۶/۵	۲۶	۱۳۷۹
۹/۴	۱۷	۲۹/۴	۶	۷	۱۱	۱۳۸۰
۱۱/۶	۲۱	۲۳/۵	۶	۹/۵	۱۵	۱۳۸۱

پژوهش‌های فلسفی کلامی

۹/۴	۱۷	۱۱/۷	۲	۹/۵	۱۵	۱۳۸۲
۱۲/۲	۲۲	۱۷/۶	۳	۱۲/۱	۱۹	۱۳۸۳
۱۱/۶	۲۱		۰	۱۳/۳	۲۱	۱۳۸۴
۱۷/۷	۳۲		۰	۲۰/۳	۳۲	۱۳۸۵
۱۰۰	۱۸۰	۱۰۰	۲۳	۱۰۰	۱۵۷	جمع کل

به طور کلی میانگین مقالات منتشر شده در ۳۰ شماره این مجله ۶ مقاله است. با توجه به افزایش تعداد دانش آموختگان رشته فلسفه و قدمت بیشتر این رشته در کشور و محدودیت مجله‌های تخصصی، به نظر می‌رسد این میانگین پایین بوده و افزایش تعداد مقالات ضروری است. در مورد تناسب مقالات تالیفی و ترجمه‌ای از ۱۸۰ مقاله منتشر شده در ۱۵۷ (۸۷ درصد) مورد تالیفی و ۲۳ مورد (۱۳ درصد) ترجمه‌ای بوده است. در زمینه نسبت کم مقالات ترجمه‌ای نسبت به تالیفی یافته‌های این تحقیق با یافته‌های اشتیری همخوانی دارد (اشتیری، ۱۳۸۰، ص ۱۲). همانطور که از جدول شماره ۱ می‌توان استنباط کرد تعداد مقالات ترجمه‌ای به مرور زمان کمتر شده و در دو سال آخر (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) به صفر رسیده است. به عبارت دیگر در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ هیچ مقاله ترجمه‌ای در این مجله به چاپ نرسیده است. توجه به مقالات تالیفی در برابر مقالات ترجمه‌ای، اصلی است که گردانندگان این مجله از آغاز به آن توجه داشتند، زیرا برخی از متخصصان معتقدند رفتن به سوی ترجمه از اعتبار مجله هنگام ارزش گذاری کم می‌کند و این مسئله خود به خود، مجلات را به سوی مطالب تالیفی سوق می‌دهد (حری، ۱۳۸۴: ۱۷).

در پاسخ به سوال ۲ و ۳ تحقیق " تعیین جنسیت نویسندگان، مترجمان و میزان مشارکت آنها " جدول ۲ و ۳ فراهم شده است.

جدول ۲ فراوانی نویسندگان مقاله‌ها براساس جنسیت و میزان مشارکت آنها در تالیف

مقاله‌های گروهی

دو نویسنده‌ای			یک نویسنده‌ای			پدیدآور سال
زن	مرد	تعداد مقاله	زن	مرد	تعداد مقاله	
			۰	۱۸	۱۸	۱۳۷۸
	۲	۱	۴	۲۱	۲۵	۱۳۷۹

			۱	۱۰	۱۱	۱۳۸۰
			۲	۱۳	۱۵	۱۳۸۱
۱	۲	۱	۱	۱۳	۱۴	۱۳۸۲
	۲	۱	۱	۱۷	۱۸	۱۳۸۳
	۴	۲	۱	۱۷	۱۸	۱۳۸۴
	۶	۳		۲۹	۲۹	۱۳۸۵
۱	۱۶	۸	۱۰	۱۳۸	۱۴۹	جمع کل

از ۱۵۷ مقاله تالیفی در فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی، ۱۴۹ مورد (۹۵٪) دارای یک نویسنده بوده و تنها ۸ مقاله (۰۵٪) دارای دو نویسنده بوده است. به نظر می‌رسد نویسندگان این مجله هم به مانند مجلات دیگر، تمایل چندانی برای کارهای گروهی ندارند. با توجه به یافته‌ها مشخص شد بیشتر مقالات ترجمه‌ای در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۱ منتشر شده‌اند. و کمترین تعداد مقالات ترجمه‌ای مربوط به سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ می‌باشد. به مرور و با گذشت زمان هر ساله از تعداد مقاله‌های ترجمه‌ای کاسته شده و در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ هیچ مقاله ترجمه‌ای در این مجله به چاپ نرسیده است. می‌توان اینگونه استدلال کرد که سیاست مسوولین این فصلنامه، تاکید بر چاپ مقالات تالیفی و عدم چاپ مقالات ترجمه‌ای می‌باشد. همانطوری که یافته‌های جدول نشان می‌دهد، از تعداد ۲۳ عنوان مقاله ترجمه‌ای، ۲۲ عنوان دارای یک مترجم بوده و تنها، ۱ مقاله ترجمه‌ای حاصل کار گروهی دونفره بوده است. به عبارت دیگر، عدم مشارکت در کارهای گروهی، در مقالات ترجمه‌ای بیش از مقالات تالیفی است که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. می‌توان اینگونه استنتاج کرد که در بین نویسندگان و مترجمان مقالات این فصلنامه کار گروهی هنوز به خوبی جا نیفتاده است و تا رسیدن به مرزهای مطلوب فاصله زیادی دارد.

در تجزیه و تحلیل سوال ۴ تحقیق درباره "مقطع تحصیلی نویسندگان مقالات" مشخص شد از ۱۶۴ نویسنده‌ای که در نوشتن مقالات تالیفی این مجله همکاری داشته‌اند، ۱۸ نویسنده (۱۰/۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۱ نویسنده (۶/۷ درصد)، دانشجوی دوره دکتری، ۶۳ (۳۸/۴ درصد) نویسنده دارای مدرک دکتری و مقطع تحصیلی ۷۲ (۴۴ درصد) دو نفر از نویسندگان مقالات نامشخص بود. بهتر است مسوولین مجله در هنگام دریافت مقاله، اطلاعات

کامل نویسندگان و مترجمان را دریافت نمایند، تا در کارهای مشابهی که احتمالاً در آینده روی این مقالات صورت خواهد گرفت، به محققان کمک کند.

جدول ۳: توزیع فراوانی مرتبه علمی مولفان مقالات تالیفی

ردیف	مرتبه علمی					نوع استخدام			مدرك سال
	نامشخص	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	نوع	نظریه‌پرداز علمی	هیات علمی	
۱۸	۳	۱	۱	۱۰	۳	۱۸	۱	۱۷	۱۳۷۸
۲۷	۶		۱	۱۵	۵	۲۷	۳	۲۴	۱۳۷۹
۱۱	۶		۵			۱۱	۱	۱۰	۱۳۸۰
۱۵	۱۴			۱		۱۵	۳	۱۲	۱۳۸۱
۱۶	۱۵			۱		۱۶	۳	۱۳	۱۳۸۲
۲۰	۱۳			۷		۲۰	۷	۱۳	۱۳۸۳
۲۲	۷		۳	۱۲		۲۲	۲	۲۰	۱۳۸۴
۳۵	۱۰		۳	۲۲		۳۵	۷	۲۸	۱۳۸۵
۱۶۴	۷۴	۱	۱۳	۶۸	۸	۱۶۴	۲۷	۱۳۷	جمع کل

در تجزیه و تحلیل سوال ۴ "مرتبه علمی مولفان مقالات تالیفی" مشخص شد که ۱۳۷ نفر (۸۳/۵ درصد) از نویسندگان مقالات، عضو هیات علمی دانشگاه‌های مختلف بودند و تنها ۲۷ نفر (۱۶/۵) از نویسندگان عضو هیات علمی نبوده‌اند. با تجزیه و تحلیل داده‌های جدول شماره ۵، مرتبه علمی نویسندگان مقالات به این صورت نشان داده شد: مربی، ۸ نفر (۹/۹ درصد)، دانشیار، ۱۳ نفر (۸ درصد)، استادیار، ۶۸ نفر (۴۱/۵ درصد) و استاد ۱ نفر (۰/۵). همچنین مرتبه علمی ۷۴ نفر از نویسندگان مقالات نامشخص بود. و نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که بیش از ۵۰ درصد نویسندگان مقالات این مجله عضو هیات علمی دانشگاه قم بودند. و این بیانگر این مطلب است که اعضاء هیات علمی دانشگاه قم در انتشار مقاله در این مجله عملکرد خوبی داشته‌اند.

در پاسخ به سوال ۶ و ۵: میزان استفاده از محمل‌های اطلاعاتی و زبان آنها یافته‌ها به این صورت می‌باشد.

کتابها در بین سایر محمل‌های اطلاعاتی ۹۶/۸٪ از استنادها را به خود اختصاص داده و در رتبه اول قرار گرفته‌اند که حاکی از کتاب محور بودن نویسندگان مقاله‌های فلسفی فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی می‌باشد. بعد از کتابها، مجلات با ۲/۵ درصد استنادها رتبه دوم را به خود اختصاص داده و پایان‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و اینترنت کمترین درصد استناد را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این تحقیق در خصوص استناد به انواع محمل‌های اطلاعاتی با یافته‌های اشتیری، همخوانی دارد. اشتیری به این نتیجه رسیده بود که بیشترین تعداد استنادها به کتاب (۹۳/۳۸٪) و بعد از آن نشریات با (۵/۹٪) در رتبه دوم قرار دارد (اشتری، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

برابر یافته‌ها، از مجموع ۲۹۵۷ استناد به کار رفته، ۱۳۵۴ استناد (۴۵/۷٪) به زبان عربی (کتابهای زبان عربی) و ۸۸۴ استناد (۲۹/۹٪) به زبان فارسی (کتابهای فارسی) و ۶۲۳ استناد (۲۱٪) به زبان لاتین (کتابهای لاتین) استناد کرده‌اند. یاد آور می‌شود به دیگر منابع (مجله، پایان‌نامه، روزنامه، نسخ خطی و اینترنت) کمتر از ۵٪ استناد شده است. با وجود اهمیت منابع اینترنتی و جامعیت این فناوری متاسفانه نویسندگان مقالات تمایل کمتری به استفاده از اینترنت و پایگاههای اطلاعاتی داشته‌اند که البته این امر ناشی از کتاب محور بودن مولفان این مقالات می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان داد که از ۲۹۵۷ استناد مورد بررسی فقط ۶ مورد به پایان‌نامه‌ها اختصاص دارد و با توجه به وجود دوره‌های تحصیلات تکمیلی فلسفه (کارشناسی ارشد و دکترا) و با توجه به اینکه اغلب نویسندگان مقالات اعضاء هیات علمی دانشگاه قم بوده‌اند به نظر می‌رسد استفاده از پایان‌نامه‌ها در تالیف مقالات چندان مرسوم نیست. در مورد بالا بودن میزان استناد به زبان عربی بین یافته‌های این تحقیق و یافته‌های تحقیق اشتیری همخوانی وجود دارد زیرا در تحقیق وی نیز زبان عربی با ۳۴/۴۴٪ و زبان فارسی با ۳۱/۰۳٪ در مقایسه با زبان لاتین در رتبه نخست قرار داشت. (اشتری، ۱۳۸۰).

همانطوری که داده‌ها نشان می‌دهد از بین ۲۹۵۷ استناد فقط ۷۴ استناد (۲/۵٪) مربوط به مجلات فارسی و لاتین می‌شود.

در پاسخ به سوال ۷ این تحقیق "مجلات و منابع هسته" داده‌ها به این صورت می‌باشد. در این بررسی، از آزمایش برادفورد جهت تعیین مجلات هسته مورد استفاده، به دلیل اندک بودن تعداد استنادها صرف نظر شده و تنها مجلات بر اساس میزان استناد به آن‌ها،

مرتب شده و مجلات پر استناد مشخص شده اند. بر اساس یافته‌ها، مجله کیان با ۷ استناد، معارف، فصلنامه ذهن و فصلنامه ارغنون هر کدام با ۲ استناد بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده‌اند. نویسندگان مقالات مورد بررسی در مجموع به مقالات ۲۰ نشریه مختلف استناد کرده اند. میزان استناد به مجلات و مقاله‌های مندرج در تالیف مقالات تالیفی فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی خیلی کم و در حد صفر بود. به همین دلیل مجلات مندرج در جدول فوق به عنوان مجلات هسته این رشته معرفی نمی‌شوند. یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های اشتري همخوانی ندارد زیرا در تحقیق ایشان مجلات خردنامه صدرا، نامه مفید، کیهان اندیشه، کیهان فرهنگی، به عنوان مجلات هسته معرفی شده بودند. (اشتری، ۱۳۸۰).

با توجه به اینکه منابع علوم انسانی و بویژه علوم اسلامی کتاب محور هستند و در اینگونه علوم هر چه قدمت موضوعات و محتوای آنها قدیمی تر و به منابع اصلی علوم اسلامی نزدیک تر باشد محتوای مورد نظر با اهمیت تر است، تاریخ چاپ آن منبع که بر اساس آن نیم عمر محاسبه می‌شود از ارزش چندانی برخوردار نیست (کریمی و سلیمانی ۱۳۸۷) و به همین جهت است که یافته‌های نتایج پژوهش داورپناه در مقاله خود با عنوان "چالشهای علم‌سنجی درحوزه علوم انسانی درمقایسه با سایر حوزه‌های علوم" نشان داد که شاخصهای اساسی علم‌سنجی مانند عامل تاثیر و شاخص فوریت با توجه به اینکه نیم عمر استنادی درحوزه علوم انسانی طولانی است از کارایی چندانی برخوردار نیستند (داورپناه، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳)

در پاسخ به سوال ۸ این تحقیق "پراستنادترین کتابها، داده‌ها به این صورت می‌باشد. قرآن ۴۴؛ المیزان ۲۸؛ اسفار اربعه ۲۷؛ بحارالانوار مجلسی ۲۷؛ نهج البلاغه ۲۴؛ مبدا و معاد ابن سینا ۲۳؛ شواهد الربوبیه ۲۱؛ مجمع البیان ۱۹؛ حکمه متعالیه ۱۸؛ مفردات راغب ۱۶؛ وسائل الشیعه ۱۶؛ تاریخ فلسفه کاپلستون ۱۴؛ مثنوی معنوی ۱۴؛ نهایه الحکمه ۱۲؛ شرح منظومه سبزواری ۱۱؛ اصول کافی ۱۱؛ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ۱۱؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم ۸؛ مشاعر ۸؛ ملل و نحل ۸؛ فصوص الحکم ۸؛ شفا ۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۸؛ شرح حکمه الاشراف سهروردی ۸.

طبق یافته‌های جدول ۸ در بین کتابهای فارسی و عربی بیشترین استنادها به این شرح بودند: قرآن، ۴۴ مورد؛ الاشارات و التنبیها ۳۰ مورد؛ المیزان ۲۸ مورد، اسفار اربعه ۲۷ مورد

و ... یافته‌های این قسمت پژوهش نیز به طور تقریبی با یافته‌های اشتري همخوانی دارد. در تحقیق ایشان کتابهای پر استناد به ترتیب به این صورت بوده است: الحکمه المتعالیه ۱۲۷ استناد، مجموعه مصنفات شیخ اشراق ۷۷، شفا ۶۵، شرح المنظومه ۶۳، نهایه الحکمه ۵۷، الاشارات و التنبيهات ۵۱، شرح مبسوط منظومه ۴۴، قرآن ۴۳، آموزش فلسفه از مصباح یزدی ۴۳ و... در تحقیق اشتري نیز حکمت متعالیه (۱۲۷ استناد)، مصنفات شیخ اشراق (۷۷ استناد) شفا (۶۵ استناد) به عنوان پرکاربردترین اسنادها معرفی شده اند. (اشتری، ۱۳۸۰).

در پاسخ به سوال ۹ این تحقیق "پراستنادترین نویسندگان" یافته‌ها به این صورت می‌باشد.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا) ۱۲۳؛ ابن سینا حسین بن عبدالله ۱۰۸؛ طباطبائی، محمدحسین ۵۸؛ خمینی، روح الله ۳۶؛ مجلسی، محمدباقر ۳۴؛ مطهری، مرتضی ۳۳؛ علامه حلی، حسن بن یوسف ۳۲؛ آشتیانی، جلال‌الدین ۲۷؛ سهروردی، شهاب‌الدین ۲۵؛ علی بن ابیطالب ۲۵؛ طوسی، محمد بن حسن ۲۴؛ نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد ۲۳؛ کلینی، محمدبن یعقوب ۲۳؛ طبرسی، فضل بن حسن ۲۳؛ فخر رازی، محمد بن عمر ۲۲؛ سبزواری، ملاهادی ۲۰؛ کاپلستون، فردریک چارلز ۲۰؛ ابن عربی، محمد بن علی ۱۹؛ فارابی، ابونصر ۱۷؛ حر عاملی، محمدبن حسن ۱۷؛ جوادی آملی، عبدالله ۱۶؛ غزالی، ابوحامد محمد ۱۶؛ طبری، محمدبن حریر ۱۴، ارسطو ۱۴؛ مصباح یزدی، محمد تقی ۱۴؛ مولوی، جلال‌الدین ۱۴؛ حسن‌زاده آملی، حسن ۱۳؛ میرداماد، محمدبن حسن ۱۳؛ جامی، عبدالرحمن ۱۱؛ لاهیجی، ملاعبدالرزاق ۱۱؛ خوئی، ابوالقاسم ۱۱؛ مظفر، محمدرضا ۱۰.

همانطوری که داده‌ها نشان می‌دهد صدرالدین شیرازی، ابن سینا، محمد حسین طباطبائی، امام خمینی، و علامه مجلسی به عنوان نویسندگان پراستناد این حوزه معرفی شده‌اند. جدول شماره ۴ پراستنادترین نویسندگان منابع لاتین در بین منابع کتابی

Authors	citation
Alvin, Plantinga	32
Chittic, William Thesafip	11
Wittgenstein, Ludwig	10
Hume, David	10
James, W	8
Ibn Al - Arabi	7

Bonjour, L	7
Searis, John	7
William Aloston	6
Golman, Alvin	6
Nasr Seyed Hassan	5
Patriclee	5
Pollock, John	5
Chisholm, Roderic	5
Witehead	5

جدول شماره ۱۰ نشان دهنده پراکندگی و توزیع فراوانی نویسندگان پراستناد در بین منابع لاتین است. همانطوری که از داده های این جدول مشخص است در بین نویسندگان به ترتیب، Alvin, plantinga با ۳۲ استناد و Chittic, William thesafip با ۱۱ استناد، Wittgenstein, ludwig و Hume, David هر کدام با ۱۰ استناد رتبه های بالاتر را به خود اختصاص داده اند. در بین منابع لاتین (کتاب) این عناوین دارای تکرار بیشتر بوده اند،

The encyclopedia of religion	5
The structure of empirical knowledge / bonjour	4
Theory of knowledge / Chisholm, Roderic	4
The philosophy of science .	3
Warrantand proper freper fundien . from Alvin plantinga	3
Contemporary theoricis of knowledge/ Pollock, john	3
Philosophical investigations, Wittgenstein, l	3

ذکر این نکته لازم است که در بین منابع لاتین به مجلات لاتین ۴۰ مورد استناد شده بود. که همه استنادها به مجلات تک استنادی بود و به هیچ مجله ای بیش از یکبار استناد نشده بود. به همین دلیل به عناوین مجلات لاتین به دلیل عدم تکرار هیچ اشاره ای نمی شود. می توان اینگونه نتیجه گرفت که نویسندگان مقالات مجله پژوهشهای فلسفی کلامی در زبان لاتین هم به مانند منابع فارسی کتاب محور بوده و نیازهای اطلاعاتی خود را بیشتر از طریق کتابها به دست می آورند. در پاسخ به سوال ۱۰ این تحقیق "پرکارترین نویسندگان" داده ها به این صورت می باشد.

اله‌بداشتی ۴؛ فولادی، محمد ۴؛ عابدی، احمد ۳؛ ذبیحی، محمد ۳؛ خزائی، زهرا ۳؛ فتحی‌زاده، مرتضی ۳؛ محامد، علی ۳؛ شانظری، جعفر ۳؛ شاکر، محمدکاظم ۳؛ حشمت‌پور،

پیش‌نویس
فصلنامه علمی-پژوهشی

محمد ۳؛ مودب، رضا ۲.

همانطوری که از داده‌ها استنباط می‌شود از بین نویسندگان مقالات تالیفی، آقای اله‌بداشتی و محمد فولادی با چهار مقاله، و آقای محمدکاظم شاکر، جعفر شانظری، مرتضی فتحی زاده، زهرا جزائی، علی محامد، احمدعابدی، محمدذبیحی و محمدحسین حشمت‌پور هرکدام با سه مقاله در رتبه‌های برتر قرار گرفتند.

در پاسخ به سوال ۱۱ این تحقیق "پراستنادترین مترجمان و مصححان" یافته‌ها به این صورت می‌باشد.

کرین، هانری ۱۸؛ آشتیانی، جلال‌الدین ۱۸؛ غفاری، علی‌اکبر ۶؛ خواجوی، محمد ۶؛ فرزوانفر، بدیع‌الزمان ۵؛ نیکلسون ۵؛ محقق، مهدی ۴؛ بدوی، عبدالرحمن ۴؛ مایل هروی، نجیب ۳؛ مینوی، مجتبی ۳؛ رسولی محلاتی، هاشم ۳؛ آهنی، غلامحسین ۳؛ موسوی، حسین؛ تفضلی، تقی؛ قاضی، عبدالکریم؛ ذبیحی، محمد؛ شانظری، جعفر؛ کلانتر، محمد؛ حسن‌زاده آملی؛ حسن هرکدام با ۲ استناد جزء پراستنادترین مصححین بودند.

در این قسمت نیز فقط افرادی که دارای بیشترین تکرار بوده‌اند آورده شده و از آوردن کلیه اسامی به دلیل حجم زیاد خودداری شده است.

از بین مترجمان مختلف، بهاء‌الدین خرمشاهی با ۱۳ مورد و جلال‌الدین مجتبی‌وی با ۱۰ مورد بیشترین استناد را به خود اختصاص داده بودند.

. در بین مترجمان دوم ابراهیم سلطانی، با ۴ مورد، ابوالقاسم طاهری و مهران مهاجر هرکدام با دو مورد استناد در رتبه دوم بودند. محمد نبوی تنها مترجم سوم است که دو بار مورد استناد قرار گرفته بود

در پاسخ به سوال ۱۲ این تحقیق "پراستنادترین موضوعات" جدول شماره ۱۴ فراهم شده است

جدول ۱۴ پراکندگی موضوعی کتابهای مورد استناد در این فصلنامه

موضوع	فراوانی	موضوع	فراوانی
فلسفه	۳۸۳	منطق	۱۲
کلام	۱۳۷	اخلاق	۱۱
تفسیر شیعه	۷۶	تاریخ اسلام	۱۰
حدیث شیعه	۷۲	رجال شیعی	۱۰

۹	رجال	۶۶	حدیث شیعه
۸	علوم قرآن شیعه	۴۴	فقه شیعه
۷	کلیات	۲۲	تصوف
۷	حقوق	۱۸	ادبیات فارسی
۶	علوم قرآن سنی	۱۸	حدیث سنی
۴	فقه سنی	۱۶	ادبیات عرب
۲	انقلاب اسلامی	۱۵	فرقه ها
۲	لغات قرآن	۱۵	فقه تطبیقی
		۱۳	اصول فقه شیعه

بر طبق یافته‌های جدول ۱۴ می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که بیشترین موضوعاتی که در پیوند با موضوع فلسفه به کار رفته است شامل حدیث با ۱۳۸ استناد، کلام با ۱۳۷ استناد، تفسیر شیعه ۷۶ استناد، حدیث شیعه ۶۶ استناد، فقه ۵۷ استناد، ادبیات ۳۶ استناد، تصوف ۲۲ استناد و رجال ۱۹ استناد. بر طبق این جدول می‌توان پیشنهاد کرد که مجموعه سازان کتابخانه‌هایی که با موضوعات فلسفی سر و کار دارند می‌توانند علاوه بر موضوعات فلسفی نسبت به خرید اینگونه کتابها نیز اقدام کنند. یاد آوری می‌کنیم جدول شماره ۱۴ فقط شامل مواردی است که در استنادهای کتابی بیش از دوبار تکرار شده بودند. و از احتساب و آوردن استنادهای کتابی که یکبار تکرار شده بودند، به دلیل حجم زیاد خودداری شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با سوال اول پژوهش که در جدول شمار ۱ نشان داده شده است در ۳۰ شماره این مجله ۱۸۰ مقاله منتشر شده است که از این تعداد ۱۵۷ مقاله تالیفی و ۲۳ مقاله ترجمه‌ای می‌باشد. از بررسی ۲۹۵۷ استناد در ۱۸۰ مقاله تالیفی و ترجمه‌ای مشخص شد که متوسط استنادها در هر مقاله ۶ استناد می‌باشد.

در پاسخ به سوال دوم و سوم پژوهش درباره توزیع مولفان مقالات براساس جنسیت و میزان مشارکت در کارهای گروهی، همانطوری که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد از ۱۶۴ نویسنده تعداد ۱۵۴ نویسنده مرد و تنها ۱۰ نویسنده زن در تالیف مقالات این فصلنامه، همکاری داشته‌اند. از ۱۵۷ مقاله تالیفی فقط ۸ مقاله حاصل کار گروهی دو نفری بوده است. کارهای گروهی از سال ۱۳۸۱ به بعد در این فصلنامه به چاپ رسیده، که نشان دهنده گرایش مولفان به کارهای گروهی است.

در ارتباط با سوال چهارم پژوهش درباره تعیین مقطع تحصیلی و مرتبه علمی نویسندگان مقالات، همانطوری که این جدول‌ها نشان می‌دهند مقطع تحصیلی ۶۳ نفر از نویسندگان دکتری بوده و مقطع تحصیلی حدود ۷۲ نفر از نویسندگان نامشخص بوده و همراه با مقاله ذکر نشده بود. درباره مرتبه علمی نویسندگان مقالات هم ۶۸ نفر استادیار، ۱۳ نفر دانشیار و ۸ نفر مربی، وضعیت ۷۴ نویسنده از لحاظ استخدام مشخص نبود. در کل ۱۳۷ نویسنده عضو هیات علمی دانشگاههای مختلف بودند و فقط ۲۷ نویسنده عضو هیات علمی نبودند.

در ارتباط با سوال ۵ و ۶ پژوهش، تجزیه و تحلیل استنادها از لحاظ نوع منبع اطلاعاتی و زبان منابع داده‌ها نشان می‌دهد که کتاب به عنوان بنیادی ترین منابع اطلاعاتی در عصر رسانه‌های اطلاعاتی همچنان در صدر می‌نشیند، در حالی که نشریات ادواری در رتبه دوم قرار گرفته است. از ۲۹۵۷ استناد ۱۳۵۹ استناد به منابع عربی زبان و ۹۳۱ استناد به زبان فارسی و ۶۶۷ استناد به زبان لاتین تعلق دارد.

در ارتباط با سوال ۷ جهت تعیین منابع هسته همانطوری که داده‌ها نشان می‌دهد به دلیل استناد کم به نشریات ادواری نمی‌توان مجلات هسته رشته فلسفه را شناسایی کرد. ولی در خصوص تعیین کتابهای پر استناد جدول شماره ۸ نشان دهنده وضعیت استناد به این محمل اطلاعاتی می‌باشد.

در ارتباط با سوال ۸ جهت تعیین پراستنادترین نویسندگان همانطوری که این یافته‌ها نشان می‌دهد کتابهای قرآن، ۴۴ مورد؛ الاشارات و التنبیها ۳۰ مورد؛ المیزان ۲۸ مورد، اسفار اربعه ۲۷ مورد جزء پراستنادترین کتابها بوده اند.

در ارتباط با سوال ۹ در خصوص تعیین نویسندگان پراستناد همانطوری که این یافته‌ها نشان می‌دهد، ملاصدرا، ابن سینا، علامه طباطبایی، و امام خمینی، علامه حلی، مرتضی مطهری و ... در لیست نویسندگان پر استناد قرار گرفته‌اند. در بین نویسندگان منابع لاتین Alvin plantinga و Chittic, William و witgenstom, ludwing در صدر قرار دارند.

در ارتباط با سوال ۱۰ در خصوص پرکارترین نویسندگان جدول شماره ۱۱ تنظیم شده است همانطوری که این جداول نشان می‌دهد آقایان اله‌بداشتی و محمد فولادی با چهار مقاله، و آقایان محمدکاظم شاکر، جعفر شانظری، مرتضی فتحی زاده، خانم زهرا حزائی، علی محامد، احمدعابدی، محمدذبیحی و محمد حسین حشمت پور هرکدام با سه مقاله در رتبه‌های

برتر قرار گرفتند.

در ارتباط با سوال ۱۱ پراستنادترین مترجمان و مصححان، طبق یافته‌ها جلال‌الدین آشتیانی و هنری کربن با ۱۸ مورد در رتبه‌های اولیه قرار دارند. در بین مترجمان بر طبق یافته‌های جدول شماره ۱۳ خرمشاهی و جلال‌الدین مجتبوی و محمد خوجوی دارای رتبه‌های اول تا سوم بودند.

در ارتباط با سوال ۱۲ پراستنادترین موضوعات جدول شماره ۱۴ نشان دهنده بیشترین موضوعاتی است که در پیوند با موضوع فلسفه به کار رفته است به ترتیب شامل موارد زیر است تفسیر با ۱۴۲ استناد، حدیث با ۱۳۸ استناد، کلام با ۱۳۷ استناد فقه ۵۷ ادبیات ۳۶ تصوف ۲۲ رجال ۱۹ استناد می‌باشد.

پیشنهادهای

۱- نتایج به دست آمده نشان داده است که نشریات علی‌رغم به روز بودن و داشتن جایگاه ویژه در بین سایر رشته‌ها کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. شایسته است که علل عدم استفاده از نشریات ادواری، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع اطلاعاتی مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بهتر است محققان به ذکر منابع و مآخذ نوشته‌هایشان توجه و دقت کافی مبذول داشته باشند. لذا پیشنهاد می‌شود استانداردها و قوانین ذکر اطلاعات کتابشناختی را مورد مطالعه قرار دهند.

۳- به دلیل مشاهده مشکلات و نقص‌هایی در فهرست منابع بخصوص اسامی نویسندگان منابع مورد استناد، پیشنهاد می‌شود فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی با یک ویراستار ماهر استنادی همکاری داشته باشد.

۴- پیشنهاد می‌شود کاری مشابه بر روی پایان‌نامه‌های رشته فلسفه دانشگاه صورت گرفته و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه شده و از ماحصل یافته‌های آنها منابع هسته رشته فلسفه مشخص شود.

۵ با توجه به اینکه امروزه اکثر منابع به صورت دیجیتال و الکترونیکی منتشر می‌شوند بهتر است نویسندگان مقالات از منابع اینترنتی و دیجیتال که حاوی به روزترین اطلاعات می‌باشند استفاده کنند

۶- با توجه به اینکه اکثر پایان نامه‌ها حاوی اطلاعات دست اول و مفید می‌باشند پیشنهاد می‌شود نویسندگان محترم در انجام تحقیقات خود از اطلاعات مندرج در پایان‌نامه‌ها نیز استفاده نمایند.

منابع

۱. آذرانفر، جوانه (۱۳۸۳). تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی فارغ‌التحصیلان داخل کشور و خارج از کشور موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران بین سالهای ۱۳۸۲-۱۳۷۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
۲. آزیده، باهر (۱۳۷۸). تحلیل مآخذ پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۷۶-۱۳۷۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران
۳. احمدزاده، سعادت (۱۳۸۶) تحلیل استنادی مقالات هنری فارسی طی سالهای ۱۳۷۷-۱۳۸۴. فصلنامه کتاب، زمستان ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۲۴.
۴. اشتری، مه‌لقا (۱۳۸۰) تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی طی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۷. فصلنامه کتاب، ۱۲، ۲ تابستان: ۸-۲۲
۵. امیر حسینی، مازیار (۱۳۷۱). کتابسنجی و اطلاع‌سنجی. فصلنامه کتاب، ۳، ۱-۳، بهار و زمستان: ۱۸۳-۲۰۹
۶. بنی‌هاشمی، میترا (۱۳۷۴). تجزیه و تحلیل استنادهای مقالات در برخی نشریات ادواری پزشکی فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی.
۷. پورشعرباف، الهه (۱۳۷۵). تحلیل استنادی مآخذ پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم پایه دانشگاه تربیت مدرس در سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۸. تصویری قمصری، فاطمه و جهان نما، محمدرضا (۱۳۸۶). تحلیل استنادی پایان نامه های پژوهشگران پژوهشکده مهندسی جهاد کشاورزی. فصلنامه کتاب، ۱۷، ۷، پاییز: ۷۵-۸۹
۹. جاهد، حسن (۱۳۷۳). تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های دوره دکتری عمومی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی در سال های ۱۳۷۲-۱۳۶۸. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۱۰. حری، عباس (۱۳۷۲). تحلیل استنادی در مجموعه مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی، تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور.
۱۱. حری، عباس و نشاط، نرگس (۱۳۸۱). بررسی رفتار استنادی نویسندگان مقاله های مندرج در مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۲، ۲: ۱-۳۳
۱۲. خسروی تاج، حمیدرضا (۱۳۷۷). تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان در سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۴. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
۱۳. داورپناه، محمد رضا (۱۳۸۶). چالش های علم سنجی در حوزه علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه های علم. مطالعات تربیتی و روانشناسی. ۱۲۵: ۲۰۸-۱۴۶.
۱۴. دیانی، محمدحسین (۱۳۷۹). کتابسنجی. در مجموعه مباحث بنیانی در کتابداری و اطلاع رسانی ایران: ده مقاله، مشهد: کتابخانه رایانه ای
۱۵. ریاحی نیا، نصرت (۱۳۷۲). بررسی میزان کاربرد نشریات ادواری لاتین در پایان نامه های کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، علوم پزشکی ایران و شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۱۶. سیفی، میترا (۱۳۷۹). "تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های فارغ التحصیلان رشته حقوق بین الملل و روابط بین الملل دانشگاه تهران در فاصله سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۷" پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران

۱۷. شفیع، فریال (۱۳۷۹). تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های فارغ التحصیلان رشته زبان و ادبیات عرب دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۷۷-۱۳۷۰. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران

۱۸. عصاره، فریده (۱۳۶۵). بررسی وضع استناد در مجلات پزشکی فارسی: مجلات دانشکده های پزشکی دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و مشهد در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۴. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.

۱۹. عصاره، فریده (۱۳۷۶). کتابسنجی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳۰، ۴: ۶۳-۷۴

۲۰. فخاری، حبیب الله (۱۳۷۳). بررسی استنادهای پایان نامه های فارغ التحصیلان دانشکده بهداشت دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۵۸، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۲۱. فروزانی، نوشین (۱۳۸۲). "تحلیل استنادی پایان نامه های کارشناسی ارشد رشته مهندسی معدن دانشکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰ - ۱۳۷۹"، کتابداری، ۴۰: ۱۰۳-۱۲۲.

۲۲. قزلی، لادن (۱۳۸۱). "تحلیل استنادی طرحهای پژوهشی دانشگاههای فردوسی مشهد در دو حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم پایه کشاورزی. کتابداری و اطلاع رسانی، ۵، ۴، زمستان: ۳۵-۴۹.

۲۳. کریمی، رضا (۱۳۸۲). تحلیل استنادی پایان نامه های کارشناسی ارشد مرتبط با حضرت امام خمینی (س) موجود در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.

۲۴. کریمی، رضا، سلیمانی، راضیه. (۱۳۸۷) "تحلیل استنادی مجله علوم حدیث". مجله علوم حدیث ش. ۴۹، ۵۰ زمستان: ۴۰۰-۴۲۳.

۲۵. کریمیان مزیدی، محمدعلی و اشرافی، محمد (۱۳۸۶). تحلیل استنادی مقالات سه نشریه علوم کشاورزی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانش کشاورزی دانشگاه تبریز، و تحقیقات کشاورزی. فصلنامه کتاب، ۱۸، ۱، بهار: ۵۱-۶۸
۲۶. کیانمهر، احترام (۱۳۸۶). تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در مجلات کتابداری (۱۳۷۵-۱۳۸۲). فصلنامه کتاب، ۱۸، ۲، تابستان: ۱۰۱-۱۲۳
۲۷. گارفیلد، یوجین (۱۳۷۶). چگونه استاد کنیم؟. ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳، ۴، شماره های ۱-۲: ۱۲۷-۱۴۱
۲۸. لوکزاده، علی (۱۳۸۳). تحلیل استنادی منابع و مآخذ پایان‌نامه‌های دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۶۸-۱۳۷۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
۲۹. محمدزاده، فاطمه (۱۳۷۶). بررسی وضع استناد در مجلات فارسی کتابداری و اطلاع‌رسانی جاری از آغاز نشر تا پایان ۱۳۷۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
۳۰. محمدی، مهدی و متقی دادگر، امیر (۱۳۸۶). تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در ۳۰ شماره فصلنامه "کتابداری و اطلاع‌رسانی" بین سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۴. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲، ۱۰، تابستان ۱۳۸۶: ۷-۳۶
۳۱. محمدی، مهدی، ایزدی یگانه، مهری و متقی دادگر، امیر. تحلیل استنادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا، فقه و مبانی حقوق اسلامی و علوم سیاسی موجود در کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷
۳۲. مرادی، بهزاد (۱۳۸۱). بررسی استنادی مآخذ پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌های اصفهان و شیراز بین سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شیراز

۳۳. مظفری غربا، رستم و فدایی عراقی غلامرضا و حری عباس (۱۳۸۴). تحلیل استنادی تطبیقی پایان نامه‌های دکتری شیمی دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۳-۱۳۷۶). کتابداری، ۳۹: ۱۵-۴۳.

۳۴. مقصودی دریه، (۱۳۸۴). بررسی استنادی مقالات در مجلات علوم اطلاع رسانی. فصلنامه پیام کتابخانه، فصلنامه کتاب و کتابداری در سلا ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹، کتابداری، ۳۹: ۲۳-۳۹

۳۵. مهرداد، جعفر و کریمیان مزیدی، محمدعلی (۱۳۸۱). تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های کارشناسی ارشد آبیاری دانشگاههای شهید چمران اهواز، تهران، شیراز و فردوسی مشهد (۱۳۷۷-۱۳۶۷). مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۹، ۱، زمستان: ۱۳-۱

۳۶. هراتی، طلعت (۱۳۷۹). تحلیل استنادی مآخذ پایان نامه های فارغ التحصیلان رشته مدیریت دانشکده مدیریت دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.

37. Barnes, Newkirk (2006). "The Use of U. S Governmental Publication as Bibliographic Reference in Doctoral Dissertations". The journal of Librarianship, vol. 32, Nu. 5, PP: 503-511.

38.-Companr.o , J.M .(2003). Citation analysis. In international Encyclopedia library and information science. 2nd ed .John feather and Paul Struges , , 76-78.london , Newyork: Routledge

39.Gooden, Angela M (2001). "Citation analysis of the Chemistry Doctoral Theses: An Ohio State University Case Study". **Issues in Science and Technology Librarianship**, 32, [online], available at: www.library.uesb.edu

40.Haycock, Laurel A (2004)." Citation Analysis of Education Dissertation for Collection Development". **Library Resources and Technical Services**, 48(2): 102-106

41. Okiy, Rose B (2003). "A citation analysis of education dissertations at the Delta State University, Abraka, Nigeria. Collection Building, vol 22, Nu 4, pp: 158-161. [online] available www.emeraldinsight.com

42. Shokeen, Ashu; Kaushik, sanjay k. (2004). "Indian Journal of Plant Physiology: a Citation analysis". *Annals of Library and information Studies*, Vol. 51, No. 3.: 104-107
43. Tiew, W. S. ; Kaur, K. (2004) citation analysis of *Journal of National Rubber research, 1988-1997*". *Malaysuan journal of library and information science*, Vol. 5, No. 2.
44. Waugh, C. Keith and Ruppel, Margie (2004). "Citation Analysis of Dissertation, Thesis, and Reserch Paper References in Workforce Education and Development". *The journal of academic librarianship*, vol. 30, Nu 4, PP: 276-284.